



## پیرامون اعتبار زبان عربی

سخنرانی توماس اربی نیوس (۱۵۸۴-۱۶۲۴)

ترجمه از لاتین: رابرت جونز



**اشاره:** این مقاله را توماس اربی نیوس درباره اهمیت فراگیری زبان عربی در ۱۶۲۰ میلادی به صورت سخنرانی عرضه کرد. آینه میراث بنا به اهمیت سخنرانی او اقدام به درج آن کرده است. لازم به تذکر است برخی دیدگاه‌های تند و سست وی درباره اسلام گزافه و قابل درج نبود، لذا از این مقاله حذف شد. از آقای دکتر مهدی محقق که متن انگلیسی این اثر را در اختیار مجله قرار دادند، تشکر می‌کنیم. <آینه میراث>

### سخن مترجم (رابرت جونز)

توماس اربی نیوس (۱۵۸۴-۱۶۲۴) از سال ۱۶۱۳ تا زمان فوت نابینگامش در سن چهل سالگی در اثر بیماری طاعون در دانشگاه لیدن به تدریس زبان عربی اشتغال داشت. او را مؤلف کتاب دستور برای تدریس قواعد زبان عربی به اروپائیان می‌دانند. برآستی رویکرد واقع‌گرایانه‌اش در مسئولیت معلمی همچنان نمونه است. لیکن او را به لحاظ مجموعه نسخ خطی (که بخش اعظم آن اکنون در کتابخانه دانشگاه کمبریج نگهداری می‌شود)، ارتباط کلامی‌اش و نشریاتش می‌شناسیم که علائق و توانمندیش به عنوان یک شرق‌شناس بسیار گسترده است. این مقاله دومین سخنرانی وی در خصوص ارزش و اعتبار زبان عربی در سال ۱۶۲۱ در دانشگاه لیدن و نیز به همراه اولین سخنرانش در باب

زبان عربی و سخنرانی دیگر وی در مورد زبان عبری است که وی به نشر درآورده است. سخنرانی افتتاحیه وی در مورد زبان عربی پیشتر و جداگانه در سال ۱۶۱۳ منتشر گردیده است. تکرار مباحث مطروحه وی پیرامون زبان عربی بعنوان موضوع تحقیق در دومین سخنرانی وی آمده است که علاوه بر آن بر افزایش اهمیت متون تاریخی عربی، اعلان برنامه موفق نشر، نمونه‌هایی از نحوه توضیح هم‌ریشه‌های زبان عربی و عبری و اطلاعاتی در زمینه مجموعه نسخ خطی عربی شرق و اروپا تأکید می‌ورزد.

از متولیان ششمین همایش بین‌المللی ملکام (در پانزدهم لغایت هجدهم آوریل ۱۹۸۴) در لیدن بسیار متشکرم که این امکان را برای بنده فراهم آوردند تا از شرکت‌کنندگان همایش

به‌نگام ارائه بخشی از سخنرانی اربی‌نیوس در گرامیداشت چهارصدمین سالگرد تولدش بعنوان دانشجویان فرضی وی بهره‌مند شوم، و نیز از استاد جی. بی تراپ، مدیر مؤسسه واربرگ دانشگاه لندن تشکر می‌کنم که صمیمانه وقت خویش را برای تصحیح و ویرایش پیش‌نویس نوشته‌ام صرف کردند. سیاق تحت‌اللفظی نسخه‌نهایی متعلق به اینجانب است. صفحه‌گذاری نشریه لاتین ۱۶۲۱ در پراوتر آمده است.

تذکر: اربی نیوس به‌نگام مراجعت از دومین سفر خود به فرانسه، دومین سخنرانی را در خصوص زبان عربی در تاریخ پنجم نوامبر ۱۶۲۰ ارائه نمود که سخنرانیهای منظم خویش را نیز از همین زمان بار دیگر آغاز کرد.

### بزرگواران و مشتاقان علم!

در آستانه ارائه مجدد و منظم سخنرانیهایم پس از وقفه‌ای طولانی به لحاظ مشغله کاری، تصور می‌کنم پیش از پرداختن به موضوع اصلی، خالی از لطف نباشد که قدری در مورد این موضوع که من استاد زبان عربی دانشگاه هستم و نیز در مورد مطالعه زبان عربی و نحوه تدریس آن باشما به اختصار سخن بگویم. تصمیم دارم در این موارد به همین ترتیب صحبت کنم که به نظر من جالب و مفید خواهد بود. پس توجه کنید.

با این هدف که ماهیت زبان عربی را بهتر درک کنید، در ابتدای امر درباره سرزمین عربستان و شهروندان آن به ترتیب توضیحاتی می‌دهم.

عربستان مشهورترین شبه جزیره آسیاست و از سه جهت همسایگانی چون ایران، هند و بحر احمر دارد؛ از جهت دیگر با کشور سوریه مرز مشترک دارد. مساحت آن معادل و حتی افزونتر از مساحت اسپانیا، فرانسه، آلمان و ایتالیاست. بر اساس منابعی که در اختیار داریم، عربستان به سه بخش تقسیم می‌شود: بخش

اول، منطقه صخره‌ای و بخش دوم، منطقه بیابانی و بخش سوم، منطقه ربع الخالی است. از دیر باز اعراب آن را به پنج استان تهامه، نجد، حجاز، عرود و یمامه تقسیم کرده‌اند. اصل برخی از آنها به سبا قحطانی از اخلاف نوح باز می‌گردد و استان سبا از مدتها پیش به نام اوست، اصلیت دیگران از اسماعیل فرزند پیامبر ابراهیم از زوجه اش هاجر است و اینکه هیچگاه زیر یوغ دیگر ملل نبوده‌اند. استقلال دول خویش را حفظ و استمرار بخشیدند و حاکمان خویش را خود برمی‌گزیدند که حتی رومیان در اتحاد با آنها افتخار می‌کردند. برجسته‌ترین دولت اسماعیلیان قریش بود که پایتخت خود را در مکه قرار دادند، شهری تجارتي به وسعت آمستردام، که در حدود سال ۵۸۰ بعد از میلاد مسیح، برابر منابع موجود، زادگاه [حضرت] محمد [ص] از تبار اسماعیل صاحب کرامت است.

اکنون وقت آن رسیده تا زبان عربی را بررسی کنیم. دقیقاً از طریق منشأ و طبقه‌بندی زبان - که بر شما و من روشن است - زبان عربی در حوزه مرزهای عربستان منحصر به اعراب بود. در اشتباهند آنهایی که زبان کارتاژی را زبان عربی می‌دانند. متعاقباً حاکمیت درمانده از اینگونه محدودیتها در آسیا، آفریقا و اروپا پراکنده گردید. زبان عربی که از سوی اعراب پراکنده شده و در دیگر نقاط مستعمرات استقرار یافته بود سپس شکل گرفت و از سوی ملل زیر یوغ آنها به زیبایی و بلاغت رسید.

مسلماً اعراب در آن زمینه در مقایسه با یونانیها و رومیها موفق‌تر بودند. در واقع، برای آنها دشوار نبود که زبانشان را در همه جا به مهار اقتدارشان در آورند آنچنان که نه فقط عربستان بلکه فلسطین، سوریه، مصر و سراسر لیبی، حتی اسپانیا و اغلب جزایر دریای مدیترانه به زبان عربی تکلم می‌کردند؛ و امروزه سراسر مصر و لیبی و بخش وسیعی از آسیا به زبان عربی صحبت می‌کنند.

این زبان نه تنها با استقبال فراوان مردم، به نقل از خود آنها، روبرو شد، بلکه بسیار دلسوزانه رشد و توسعه یافت. در نتیجه، به گواه صاحب نظران اغلب زبانهای مهم و مسلط به زبان عربی در گذشته و حال بر این واقعیت که عربی زبانی کاملاً شیرین، فصیح، متین و صاحب تکامل است.

حضار محترم! دلیلی برای تعجب شما در این مورد ندارم. پیش از زمان [حضرت] محمد پیامبر [ص]، هر چند اعراب وحشی و تهیدست بودند و از ادبیات ممتاز اطلاعی نداشتند، با این وجود جانشینان آنها که همگام با حکام عرب زبان را می‌آموختند به مجموعه فرهنگ و معرفت اشتیاق نشان می‌دادند - در آن حال که حاکمیت مقتدر و شکوفا بود - و از این طریق عرب تبارها را نیز

به انجام آن وامی‌داشتند. در حقیقت، حضار نبایستی تصور کنند که اعراب همچون کسانی بودند که اکنون در شرق بر سر قدرتند، ترکها - قبیله‌ای از تبار سکائیان وحشی بودند که سه سده قبل در زمان اضمحلال حکومت مشهور سارانسها به قدرت رسیدند. ترکها عاشقان معرفت نبودند و نیستند.

علی‌ای حال سارانسها (بنا به اجازه دانشمندان صاحب نظر معاصر، انسانهای امپراطوری درخشان گذشته را اینگونه می‌نامیم) آنچنان غرق در اعتیاد ادبیات و مطالعه بودند که امپراطوریشان به تنهایی دانشگاههایی را در اختیار داشت که از حیث تعداد و اعتبار بزرگتر از تمامی دانشگاههای دیگر نقاط جهان بود. تردید دارید؟ کتاب لئو آفریکانوس را در مورد آفریقا مطالعه کنید و ملاحظه خواهید نمود که در آن قسمت دنیا به تنهایی سی دانشگاه صاحب نام قرار داشت. و آسیا حتی به مراتب بیشتر داشت، در مناطقی از حکومت چین و هند که به گمان ما انسانهای با سواد نیست. در کتاب نظری بر زبان عربی و سایر کتب در دست تهیه در آینده‌ای نزدیک به وضوح به این نکته پی خواهید برد.

در دانشگاههای آنها هزاران دانشجو و شمار کثیری استاد و فرهیخته در هر دانشکده به تعلیم و تعلم اشتغال داشتند و با شوق فراوان به تنویر و فرهیختن علوم مشغول بودند؛ و پس از فراگیری، توضیح، توسعه و پیرایش ادبیات دیگر ملل، آنرا تسلیم نسل آینده می‌نمودند. بدانید که تمامی آثار مؤلفان برجسته قدیم - نه فقط مصریان، ایرانیها و کلدانیها (که اولین مؤلفان حکمت و معرفت بودند)، بلکه یونانیها و لاتین را به زبان خود ترجمه می‌کردند. با علم به این مسئله، دلیل بقای آثار متعدد آن ملل که به علت شرایط زمان و اهمال بشر اثری از آنها نیست دقیقاً همین است. با اجازه شما با یکی دو مثال این مسئله را اثبات می‌کنم.

بدانید که منابع موثق می‌گویند در میان این آثار کتب لیوی از نسخ موجود است که فقدان آنها دنیای لاتین را عزادار خواهد کرد. علاوه بر آن، تمامی کتب پاپوس اسکندریه در ارتباط با حل المسائل ساده و دقیق مسائل ریاضیات که گنجینه‌ای گرانقدر است در این گوشه جهان به زبان عربی در دسترس همگان قرار دارد. شماری آثار برجسته بقراط و جالینوس و آثاری متعدد متعلق به دانشمندان که فهرستی از آنها را در کتاب تفسیری بر زبان به تفصیل خواهیم آورد.

از زبان معدودی عالمان صاحب نام شنیده‌ایم که اگر از علوم یونان اثری نداریم، می‌توان از زبان عربی به آنها موجودیت داد. و

این دقیقاً همان رخداد عصر پیشین است، پیش از شکوفایی معرفت یونان و آن زمان که آثار مؤلفان یونان از عربی به لاتین ترجمه شد. متعاقباً در پی دوران بهبود علمی یونان، این آثار را فاضلان به زبان اصلی در دسترس ما قرار دادند.

مسلمانان آثار و معرفت دیگر ملل را استقراض نکردند، بلکه همانطور که گفتیم در حد توان بر آنها افزودند و منورشان کردند؛ در واقع اغلب آثار کلاسیک را با دیباچه‌ها و تفاسیر پیراستند. مضافاً، مطالبی نو و فراوان از انواع معرفت را پدید آوردند، که در بخش اعظم از آنها دقت ابداع، تفکر استادانه، مشاهدات عالمانه و پیشنهادهای روشن، روشمند و استادانه یافت می‌شد. صحبت من در مورد کتب خارجی نیست. در مقایسه با کتب لاتین و یونانی ما تعداد کتب متعلق به آنها احتمالاً افزونتر بود. تفاوت در این است که آنها نسخ ترجمه شده در اختیار داشته و به تصور معقول از طلاق بیان کمتر، در صورتیکه ما نسخ اصلی آنها را در دست داریم و به زبان مادری آنها را درک می‌کنیم. البته منظورم کتب خود مسلمانان است که حتی الامکان به تعداد قابل توجهی در عنفوان امپراطوری ساراسن یعنی از سال ۶۵۰ بعد از میلاد تا حدود ۱۲۵۰ بعد از میلاد- در آسیا و آفریقا و اسپانیا جمع‌آوری کرده‌ام.

و اما راجع به اطباء، برای رفع تردید می‌توان اثر برجسته طبیب عرب تبار رازی تحت عنوان الحاوی را مدنظر داشت که در سده پیش به زبان لاتین ترجمه شد. در این کتاب به تنهایی از سیصد -چه بسا بیشتر- طبیب صاحب نام و متبحر یاد شده است و شکی نیست که رازی ذکری از بی شماری اطباء نبرده است و پس از او به این تعداد افزوده شده است.

در خصوص حقوقدانان نیز چنین ادعایی دارم و در یک یا دو کتابی که خواندم، قضاوتها و نظرات بسیاری از وکلای دیده‌ام. درباره کتب ریاضیات و دیگر ارکان فلسفه، اطلاعات بدست آمده از معدود ترجمه‌های لاتین است که براساس بیشمار آثار عربی در دست داریم.

سلطان سوریه اسماعیل ابوالفدا در اثر مشهور جغرافیای خود که ستایش برانگیزست، از تعداد سی جغرافیدان برجسته و نامی یاد کرده است. او این اثر خویش را سه سده پیش تدوین نموده و آن را تقویم البلدان عنوان نهاد.

خدا می‌داند کتب تاریخی آنها چه تعداد است! تا چه حد دقیق است! تا چه حد موثق! و این کتب در خصوص تاریخ یونانیها و رومیها نیست، بلکه در باب کلدانیها، آشوریها، ایرانیان، هندیان،

تاتارها و خود اعراب، مصریان و آفریقاییان و از اینها گذشته درباره اصالت این قومها سخن می‌گوید. می‌دانم حرف مرا می‌پذیرید. اگر تردید دارید، کتابخانه من در زمینه موضوعات آسیا کتب بسیاری دارد که شما را مجاب خواهد کرد. در مورد تمامی این اقوام تاریخ نامه موثق و دقیق در اختیار دارم که روزی اگر زنده باشیم، می‌توانیم توانایی صراحت آنها را بر کتب مقدس و تاریخیه یونان و لاتین به اثبات برسانیم. اما درباره آفریقاییان که مؤلفان دقیق نگاشته‌اند، و آثارشان را در اختیار دارم و به یقین می‌دانم که از دیگران نیز همچون لئوآفریکانوس آثاری موجود است که از بسیاری ذکر برده است و به افرادی خاص نظیر ابن عبدالملک تکریم گذارده است.

در سایر نقاط جهان به اندازه عربستان شاعر نبود و نیست. قصد فریب شما را ندارم. شعرا را شصت نفر و در زمره برترینها به شمار می‌آورند که طبقات بسیاری از دیگر شعرا زیر مجموعه آنهاند و در آثارشان بلاغت ابداع، معرفت، دقت سُرّایش و حلاوت آهنگ و وزن آنچنان است که شعر خوان و مستمع شعر را به کمال جذابیت می‌رساند. پس جای تعجب نیست که لئوآفریکانوس و دیگر مؤلفان از شعر عرب با وجدی بس باور نکردنی سخن می‌گویند که دیگر زبانها را توان مقابله با آن نیست. دانش پژوهان! به این نکته توجه دارم که با عینیت مطالب را فرا می‌گیرید و اینکه دیری نمی‌پاید که بزرگترین شاعر باقی در جهان را می‌شناسید و اثرش را می‌خوانید که به المتنبی موسوم است که گویی پیشگوست. این نام را از آن جهت به او دادند که او را بعد از پیامبر [حضرت] محمد [ص] قرار دهند!

اما درباره ویرایش زبان عربی و کتبی که برای پیرایش، تعریف، تشریح و حفظ آن نگاشتند، برآستی متأسفم که به حق سخن بگویم و شاید تصور کنید از گلیم خود پا فراتر می‌گذارم. اما تا آنجا که می‌دانم، در صرف توان، تلاش و هنر در جهت ویرایش زبانشان رقیب ندارند. شمار کثیری از فضایی آنها کتبی در قواعد و مقالاتی در این زمینه نگاشته‌اند که بعضاً منظوم و بقیه منثورند. و در این راستا در تألیف کتب قواعد از یهودیان نیز گوی سبقت را ربوده‌اند، که هم علم و اصطلاحات را از اعراب به امانت گرفته و بر هر محقق ریز بین این واقعیت روشن است.

فرهنگ نامه‌هایی بسیار از آنها باقی است که در آنها واژگان را معنی و اهمیت داده‌اند. از این تعداد حدود بیست مجلد موجود است که دو نمونه آن از اهمیت بیشتری برخوردارست، از جمله القاموس و الصحاح در چند مجلد. در مجموعه آثار من این کتب

مشهودند. مقالات تخصصی بی شماری در باب واژه شناسی و تفاوت واژگان، اصطلاحات فنی، عبارات دشوار موضوعات گوناگون و اجزاء کلام موجود و قابل رؤیت است.

حضار محترم! خلاصه عرض کنم که آنها در زمینه کار ادیبان و عالمان، در ویرایش زبان‌شان و پیرایش دیگر علوم نقش داشتند. دلیل تأکید بنده این است که مسلمانان در مقایسه با دیگران در هر زمینه معرفت، کتب با ارزش دارند. شاید به نظر آید که درباره شگفتیها و عجایب با شما صحبت می‌کنم.

فراوانی و قابلیت دسترس کتب در آفریقا و آسیا برابر کتبی است که در اروپا یافت می‌شود. متون خاص و متعددی در دست نیست، چرا که در آنجا کتب دست نوشته‌اند و کتب چاپی نداریم در حالی که در اینجا چاپ یک متن در مدتی کوتاه به تیراژ هزاران نسخه معمول است. با این وجود، آنها به مراتب کتب متنوع و فراوان در اختیار دارند.

به گواه شاهدان عینی موثق سی و دو هزار کتب مختلف در یک کتابخانه در فاس مراکش موجود است. در قسطنطنیه، کورنلیس هقه سفیر ما در امپراطوری ترکیه نوشته است که دو کتابخانه مملو از کتب عربی در آنجا هست که هر یک به ارزش یکصد هزار مسکوک طلای قدیمی است یعنی به عبارت چهار تُن طلا و علاوه بر آن، کتابخانه دیگری هست به ارزش چهارصد هزار مسکوک طلای قدیمی که معادل شانزده تُن طلاست. واقعیت این است که کتب در نقاط مذکور بسیار گرانقیمت‌اند زیرا که دست نوشته‌اند و معمولاً به لحاظ کاغذ ابریشمی نوشته قیمت آن بسیار گزاف است. تجربه طولانی انسان را به این باور می‌رساند که ارزش بالای کتب دال بر حجم نسخ خطی و کثرت آنهاست.

از زمان غارت خائنانه کتب عربی کتابخانه شاه مراکش از سوی یک نومید یابی اصیل به نام نثارکا امل به اسپانیا پنج یا شش سال می‌گذرد، که به کتابخانه پادشاه اسپانیا الحاق گشت. بنا به اظهار سفیر شاه مراکش این کتابخانه مشتمل بر هفت هزار و هشتصد نسخ خطی متمایز و مجزا بود. از اینگونه کتابخانه‌ها تعداد کثیری در آفریقا و آسیا موجود است؛ و شماری کثیر کتب در شهرهای بزرگ در معرض فروش قرار می‌گیرد. فهرستی از کتب برجسته را برای سفیر محترممان فرستادم و از ایشان خواستم مرا از وجود هویت آنها با اطلاع سازد، وی در پاسخ گفت که در میان آنها کتبی از فهرست بنده و نیز کتب صاحب نام دیگری که بتوان آنها را ابداع کرد، نیافته است.

بنابراین ملاحظه می‌فرمایید که در زبان عربی جویش معرفت دست کم اهمیت و بهره‌وری فراوانی دارد. علاوه بر آن زبان عبری با معرفتی شایسته در فهم دقیق ایمان و رموز رستگاری ما بی‌تردید در مقایسه با زبان عربی و با علم به قوه بیان و اشکال کلام و معنا و مأخذ و واژه شناسی واژگان از قابلیت تنویر بسیار برخوردار است، که ویژگی در خور یک کتاب خواهد بود. کتاب تفسیری بر زبان عربی بنده مشتمل بر ششصد نمونه در این زمینه مؤید این نکته است. این کتاب در برگیرنده قواعدی خاص، مفید و ضروری برای درک اصطلاحات عبری است که بنده آنها را از درون فترت‌های زبان عربی برون آورده‌ام. اکنون برای تغییر ذائقه و برانگیختن اشتیاهی شما، اولین آیه انجیل را استنتاج می‌کنم:

زبان عربی بر سه واژه صراحت فراوان دارد. ریشه کلمه «خدا» است و اهمیت آن قابل بحث است. اما از آنجا که همین واژه در میان عربها بکار می‌رود و ریشه آن نیز «الله» به معنای پرستیدن و ستایش کردن است، در این صورت چه کسی به مأخذ و معنای واژه عبری شک می‌کند؟

حضار محترم درک می‌کنند که منظور بنده این نیست که بگویم ریشه کلمات عبری از عربی است، بلکه معانی و مأخذ بیشتر واژگان مبهم در زبان عبری، که در این خصوص قرائن نادرست و ناچیز در انجیل قدیم باقی است، با همین واژگان که هنوز در زبان عربی موجود است، قابل توصیف و تشریح است و اینکه کاملاً دست نخورده و ریشه‌های بسیاری دارند و الگوهای واژه‌ای آنها با زبان عبری مشترک است.

این گفته در مورد زبان عبری در زبانهای آرامی (شاخه‌ای از زبان یهود)، سریانی، عبری خاخامی و اتیوپی قابل تشخیص است که کلاً با زبان عربی قرابت بسیار دارند، به نحوی که زبان عربی را می‌توان پرتوی مشترک آنها نامید.

زبانهای فارسی و ترکی که گستره آنها در سراسر شرق است، در حالی که نوعاً و تقریباً با یکدیگر و زبان عربی تفاوت دارند و بدون دانستن زبان عربی قابل فهم نیستند. دلیل این امر آنست که آنها که در گفتار و نوشتار زبان عربی را بکار می‌برند (خاصه ایرانیها که آن را بخوبی در نوشتار بکار می‌گیرند) آن را در آمیزه با واژگان عربی بصورت پیرایه بدیع در زبان‌شان شیک و مدرن می‌دانند که به کرات و افزونتر از لاتین زبانان در بهره‌گیری از واژه‌های یونانی از آن استفاده می‌کنند.

علاوه بر آن، همه شما می‌دانید که زبان عربی زبان رایج و منحصر مصر، لیبی، کشورهای ساحل آفریقا، عربستان و فلسطین

است و می دانید که در سفر به کشورهای آسیایی و آفریقایی تا چه حد این زبان سودمند است. از این گذشته، در کشور ترکیه - یعنی تمام منطقه آسیای صغیر، ارمنستان، بین النهرین، ایران، هند و تارتاری - نقش آن مشابه نقش لاتین بعنوان زبان عالمان و فرهیختگان و ابزار مشترک ارتباط ملل مختلف است. بنابراین به همین خاطر است که در همه آن مناطق با شمار کثیری از افرادی روبرو می شوید که به زبان عربی تکلم می کنند و آن را می فهمند. از حوصله شما متشکرم. در این فرصت نباید مسائل کم اهمیت زبان عربی را برشمرد. مدتی پیش بود که روحانی شورای وین از همین بهره گیرهای زبان عربی، استقرار اساتید زبان عربی را با حقوق چشمگیر در دانشگاههای صاحب نام مورد تأیید قرار داد. بنا به همین دلیل بود که پاپ گرگوری سیزدهم و دوک اعظم توسکانی بر آن شدند تا نشریات مشهور خویش را سازمان دهند و در توسعه زبان عربی تلاش کنند. مضافاً آنها پاپ پل پنجم را ترغیب نمودند تا حمایت از مدرسان زبان عربی را در کالج های بزرگ فرمان دهد و این مقام برجسته مسیحیت دو تن از اساتید دانشمند این زبان را در آکادمی پاریس خود گمارد و از آنها در این خصوص بهره گرفت. در واقع، بهره گیری از زبان عربی عالمان را در قرون پیش و قرن جاری بر آن داشت تا به فیض این زبان برجسته به هر نحو ممکن نایل آیند.

برای برخی از این گروه حتی دشوار نبود به خاطر آن به مسافرتهاى خطرناک، طولانی و گران برونند. نیکلاس کلینرت، اتین هوبرت و دیگر اساتید به همین دلیل به آفریقا رفتند. جرارد کریمونا، آندریا آلپاگو، گیوم پوستل، جوان باتیستا ریموندی و بسیاری دیگر عازم آسیا شدند و مدتی طولانی در آنجا اقامت گزیدند. از سوی دیگر، ژان مرسیه که در بین تمامی مسیحیان در زبان شناسی عبری برجسته ترین بود نیز به سفری در این خصوص رفت، اما در مدتی اندک پیش از ترک وطن او را به وطن فراخواندند. همچنین، آگوستینو جوستینیانو اسقف مشهور بخاطر مجموعه سرودهایش به شش زبان که گفته اند در حین همین سفر در یک حادثه کشتی شکستگی جان خود را از دست داد. به همین ترتیب، گئورگه وایگن مهیر مؤلف کتاب معروف قواعد عبری در حین سفر به دار فانی شتافت.

سایرین نیز که شرایط سفر خطرناک و طولانی را طالب نبودند در کشور خویش همت گماردند و به هر ترتیبی در جویس زبان عربی به پیشرفت نایل شدند. در بین آنها، صاحب نامترین جوزف اسکالیگر، فرانسیسکاس رافلنگیوس، ایزاک کازابن، امانوئل

ترمیلیوس و فرانسیسکاس جونیوس که همه آنها از برجستگان بودند و نمی توان بدون ستایش آنها نامی از آنها برد. میزان بهره گیری آنها از زبان عربی و شوق فراوان آنها در توسعه مطالعه آن در آثار منتشر شده و منتشر نشده آنها مشهور است. بزرگواران و مشتاقان علی! باشد که تحقیقاتشان، نمونه بودنشان الهام بخش شما باشد. شما فرصتی دارید که آنها نداشتند، مبادا به اعتقاد این بزرگان بی تفاوت و فاقد شوق باشید، در این صورت دستاوردی نصیب شما نخواهد شد. ضرورتی ندارد تحمل سفر شرق کنید یا شب و روز با یکی دو تکه کاغذ در منزل بدون راهنما به خود عذاب دهید و از همه بدتر به قول کلینرت خود معلم خویش باشید. با علم به وجود بزرگان دانشگاهی، روزانه به پیشرفتی می رسید که آنها یکماهه رسیدند. با جرأت می گویم که از متهم شدن به دروغگویی بیمی ندارم. به کتبی ارزشمند تسلط می یابید و معلمی دارید که بی تکبر بگویم، کامل و موفق است.

اطمینان کامل دارم که برخی از شما خود را بزحمت می اندازید تا زبان فرانسه را فراگیرید، همچون دیگران که برای فراگیری زبانهای اسپانیولی و ایتالیایی چنین کردند. چه بسا حتی برای این منظور به آن مناطق بروید. آیا واقعاً آنگونه عمل می کنید و از زبانی که سراسر جهان باستان را فرا گرفته غافل می شوید؛ که در آن آثار بیادماندنی بزرگانی در دست هست؛ که دارای درجات حلاوت، فصاحت و تکامل است، که شما آن را بدون زحمت می آموزید و حتی در این مکان که مشغول تحصیل هستید و بواسطه آن پس از فراگیری آن فراتر از یک دانشجوی عادی خواهد بود، چرا که به فضیلت اعلی می رسید و از لذت و بهره باورنکردنی آن بهره مند خواهید شد. امید دارم درایت خویش را در این راستا بکار گیرید. در اینجا چند نکته مهم را یادآور می شوم:

۱. آنها که داوطلب رشته الهیات هستند، بدانند که بدون یادگیری این زبان نمی توانند زبان مقدس خویش را بفهمند و یادگیرند (به نظر من شایسته نیست که آن را زبان خود بنامید مگر مدعی جویس زبان عربی باشید) و یا قادر نخواهید بود که اصول پرهیزکارانه [حضرت] محمد را بررسی و یا تکذیب کنید!

۲. آنها که به طب روی آورده اند، در نظر بگیرند که کسب مهارت در زبانی که در زمینه رشته طب کتب بسیار دارد تا چه حد حائز اهمیت است و حتی مهمتر از زبان یونانی. حدود سیصد و اندی از مفیدترین راههای درمان ساده که تاکنون برای شما و یونانیها ناشناخته مانده و به عنوان کتب ابن بیطار و سایرین که تاکنون آرزوی مطلوب شما بوده است. و مسئله در اینجا سادگی

راههای درمان نیست. راههای درمان پیچیده، علل بیماریها، آثار و دیگر جوانب علوم شما نیز در بطن این زبان مطرح است. بعلاوه، بوسیله زبان عربی از مشهورترین و بهترین پزشکان بهره خواهید برد؛ ابن سینا، رازی و دیگران. نسخ لاتین که در اختیار شماست به گونه‌ای است که باور کنید، مترجمین آنها ضایعه‌ای جبران ناپذیر به مؤلفین اصلی آنها وارد آورده‌اند!

۳. وکلا، میزان رضایت و بهره‌ای را در نظر بگیرید که در مقایسه قانون ایالتی و روم، با قوانین و مقررات و اجرا و دادگستری تمامی آسیا، آفریقا و امپراطوری بزرگ عربهای مسلمان حاصل می‌کنید. ۴. فلاسفه در می‌یابند که ارسطوی ثانی یعنی ابن رشد به زبان خویش فلسفه را تدریس می‌کند و تا چه اهمیت دارد. او را فیلسوف ناشی می‌نامید، چرا که لاتین را خوب صحبت نمی‌کند و شکایت شما از این است که کلام او را نمی‌فهمید و بناچار برای مترجم او نیز مترجم می‌خواهید.

۵. دانشجویان رشته ریاضیات، امتیازات زبان ملتی را در نظر بگیرند که می‌گویند در مطالعه رشته تحصیلی شما حتی از یونانیها نیز تفوق جسته است؛ کتب بیشتری از آن باقی است و در زمینه علوم شما و هم ابعاد آن خود بسیار نگاشته‌اند. در واقع، در اندیشه آنچنان قوی‌اند که با ذکاوتی فراتر از قوای نبوغ بشری به ابداع علم حساب آنچنان تحسین برانگیز پرداخته‌اند که البته اخیراً در اختیار جهان مسیحیت قرار گرفته است. ده رقم آن که شما «اعداد رمز» می‌نامید همچنان شکل و نظم خود را تا به امروز حفظ نموده‌اند. با این حال، یونانیها حتی گوشه‌ای از این اختراع چشمگیر را نیز نداشته‌اند و از اینها گذشته هنر برجسته و مستقل غیب‌گویی آنها که درباره آن مؤلف معتمد لئو آفریکانوس در اثر طلایی خویش درباره آفریقا نگاشته است و اینکه این هنر غیب‌گویان و فال‌بینان یونانی را پشت سر گذاشته است.

۶. صاحب نظران تاریخ و جغرافیا بدانند که جویش زبانی که در آن تاریخچه‌های بسیار و برجسته وقایع ناشناخته برای اروپائیان از قرون متمادی گذشته و قلمروهای بشمار یافت می‌شود، می‌تواند سودمند باشد؛ و اینکه در آن توصیفات جهان باستان به صحت فراوان است، خاصه در مورد آسیا و آفریقا که در آن خصوص ما در این جا مشکلاتی خاص داریم. در خصوص میزان سودمندی و مشکل‌گشایی کتب نگاشته شده تاریخ و جغرافیای یونان باستان در مقایسه با کتب عربی و نیز تشریح آنها بواسطه این کتب به دقت بیندیشید و تفکر کنید.

۷. سرانجام شما شعر دوستان بدانید که لذت و شادی ناشی

از شعرای این ملت که زاده آن هنرند بسیار است. تأمل در قطعات طنزآمیز نگاشته مؤلفین مبتکر خالی از لطف نخواهد بود.

اما شاید دو مسئله بازدارندگی ایجاد کند. یکی کمیابی و گرانی کتب عربی در این مناطق و دیگر دشواری زبان. تا آنجا که به کتب مربوط است، تاکنون شمار زیادی از این کتب در دسترس نیست و آنهایی که در دسترسند، به‌عنوان گنجینه در کتابخانه‌هایی نگاهداری می‌شوند. اما آقایان بدانید که در این قرن همین سرنوشت دچار کتب یونانی شده است که از آنها به تعداد فراوان در اختیار داریم. به محض احیاء ادبیات یونان از سوی دانشمندان این دیار، جهان لاتین از سوی ناشرینی چون آلدوس، فروبن، اتین، پلانتین و چندی دیگر مملو از کتب یونانی گردید. همانگونه که ادبیات یونان و لاتین اکنون برقرار مانده است، چرا انتظار چنین سرنوشتی را برای کتب عربی نداشته باشیم، خاصه در این زمان که بزرگان هنر، همت خویش را وقف آن نمی‌کنند؟ چاپخانه‌های متعدد کتب عربی در مناطقی تأسیس گردیده است: در رم چاپخانه جالب و گسترده تیپوگرافیا مدیسیا، در میلان چاپخانه بومیا، در پاریس چاپخانه ساواریانا، در برسلو چاپخانه کرسستیانا و در اینجا چاپخانه رافلنگیوس، و چاپخانه اینجانب که کتبی مهم و متعدد را به چاپ رسانده است و کتبی دیگر در زمان مناسب چاپ خواهد شد. بنابراین دلیلی برای شکایت به خاطر عدم دسترسی به کتب زبان عربی برای کسب این زبان برجسته ندارید.

تا آنجا که من می‌دانم چاپخانه اینجانب مسلماً اطلاعات سودمند و مورد نیاز شما در این زبان را فراوان در اختیار دارد. رساله‌هایی در خصوص قواعد زبان و فرهنگهای لغت، مورخین خاص، جغرافی دانان، شعرا و کتب مهم اخلاقی! با بهره‌گیری علمی از این زبان در این آثار اطلاعاتی جالب و آموختنی در موضوعاتی که تا به حال بر ما ناشناخته بوده، به دست خواهید آورد و حتی از آن لذت خواهید برد که مزیت برجسته مطالعه شماست. دیگر آثار خاص همچون این آثار و نیز کتبی درباره طب، ریاضیات و دیگر علوم به نشر خواهد رسید.

بعلاوه، شک نداشته باشید که به محض کسب علم این زبان، نسخ خطی به کرات در دسترس شما خواهد بود، شمار آنها روزافزون است. کتابخانه‌ها تعدادی معدود در اختیار دارند. مجموعه‌ای در لیدن موجود است که از میراث اسکالیگر است، کتابخانه پالتین و کتابخانه‌های میلان، و اتیکان، آکسفورد، ویتنبرگ، هس، باواریا و دیگر جاها؛ و خاصه کتابخانه شاه اسپانیاست که صرفنظر از کتب مراکشی که قبلاً ذکر کردیم شمار

کثیری کتب پزشکی در آنجاست. نسخ خطی بسیاری نیز در کتابخانه‌های خصوصی است. در فرانسه کتابخانه‌های فرانسوا ساواری دو بروز و هارلی دو سانسو است که این دو شخصیت سفرای پاپ در امپراطوری ترکیه بودند؛ در اسپانیا کتابخانه مارکودو بلوست؛ در ایتالیا کتابخانه‌های کالج مارونایت و کاردینال مونتالتو؛ در انگلستان کتابخانه‌های کنت برجسته به نام آروندل و سر رابرت کاتن و نیز ویلیام بدول؛ در آلمان، کتابخانه‌های سبستین تنگ ناژل، پیتر کرسستین و دیگران؛ در اینجا کتابخانه وزیر میدلبرگ، کتابخانه مشهور یوهانس بوریل و نیز کتابخانه خود اینجانب قرار دارد. آنها که این زبان را فرا گرفته فرصتی خواهند داشت تا کتب مورد نیاز خود را جمع‌آوری کنند و آنها را ارزان از آفریقا، مصر و یا شرق تهیه کرده و به سرزمین مابفرستند.

حالا به دومین مسئله شما می‌پردازیم که دشواری زبان است. متأثرم که این ذهنیت را در شما دیده‌ام که زبان عبری را دشوارتر از دیگر زبانها می‌دانید و اینکه هر آن کس که آن را می‌خواهد فرا بگیرد باید پیشتر زبان عبری را بخوبی فرا گرفته باشد. دوستان من، آنها در اشتباهند! آنها که می‌اندیشند و آن را می‌گویند به این زبان زیبا آسیبی فراوان می‌زنند. البته یادگیری کامل هر زبانی دشوار است. همه زبانها دشوارند و معدودند کسانی که علاوه بر زبان مادریشان بر زبانی دیگر مسلط می‌شوند. در واقع، نظر همه بر این نیست که حتی می‌توان بر زبان مادری نیز کاملاً مسلط بود؟ اما هر آن کس که جویش زبان عبری خواه دقیق و یا معمولی، را دشوارتر از یادگیری دیگر زبانها می‌داند کاملاً در اشتباه است، و من در این مورد با او شدیداً مخالفم چرا که معتقدم زبان عبری آسانترین زبان نامی دنیاست. برای پی بردن به این واقعیت، دانشجویان بدانید که زبانها یا دشوارند و یا ساده و این از حیث تلفظ یا سه رکن واژه است: معنی، تغییر تلفظ و ساخت.

اگر در تلفظ زبان عبری دشواری داریم، این مشکل بزرگتر از آن یا با اهمیت‌تر از تلفظ زبان عبری و یا دیگر زبانهای مشرق زمین نیست. به عبارت دیگر، تفاوت اندک است و در صورتی که در میان مردم باشیم بسادگی از عهده آن برمی‌آییم. اگر چنین نباشد، در هر حال به تلفظ کامل نیازی نداریم. از آنجا که در این منطقه از جهان قصد نداریم زبان عبری را به مردم تحمیل کنیم و یا اینکه متکلمین عبری بنظر آییم.

در زبان عبری معنای لغات نیازمند حافظه است که برای دیگر زبانها نیز ضرورت آن کمتر نیست. ترکیب و عبارات زبان عبری در مقایسه با دیگر زبانها ساده، طبیعی و مطابق با ترتیب و نظم

موضوعات است. در نتیجه دشوار نیست. صرف و تغییر تلفظ واژگان است که در اغلب زبانها بزرگترین مشکل را پیش می‌آورد. بجز زبان ترکی، در هیچیک از آنها مشکل کمتر از زبان عبری نیست. حضار محترم باور بفرمایید واقعیت را به شما می‌گویم. این زبان آنقدر با قاعده است که در قواعد موارد استثناء نیست. می‌دانم که بنظر شما تعجب‌آورست که از زمان کودکی شنیده‌اید در دستور هیچ قاعده‌ای بی‌استثناء نیست. اما باور بفرمایید که حتی یک بخش از انجیل و یا هومر شامل استثناء، بی‌قاعدگی و مشکلات بیشتری در مقایسه با کل زبان عبری است. اگر صاحب نظران اذعان دارند که زبان عبری ساده است و همین طور نیز هست، درباره زبان عبری چه می‌گویید؟ در اغلب موارد با زبان عبری شباهت دارد و صرفاً بر سه مصوت صراحت دارد که در تقریباً کل دستور از حیث، وندها، جنسیت، شمارش و غیره تغییر نمی‌کند. علاوه بر آن، عملاً دارای هیچ حروف بی‌قاعده گلوخیز نیست و صرف افعال ضعیف و قوی کاملاً با قاعده است. اطلاعاتی را که عده‌ای ضرورت دانستن زبان عبری می‌دانند و برای فراگیری زبان عبری خواهان کسب آنند برای من محسوس نیست.

آنها که زبان عبری را برای سهولت فراگیری زبان عبری فرا می‌گیرند، بنظر من کار مطالعه‌شان را این طور انجام داده‌اند که گویی قصد عزیمت از این محل به لاهه را دارند و از طریق دلفت می‌روند. اما به قول شما، زبان عبری با زبان عربی قرابت دارد. در واقع همینطور است و دلفت به لاهه نزدیکتر است تا لیدن. اما مسافرت از اینجا به دلفت طولانی‌ترست از اینجا تا لاهه. درست است، زبان عبری، مادر زبان عربی است و زبان مقدم همه زبانها. مجادله بر سر اینکه مادر دیگر زبانها عبری است یا آرامی همچنان بلاحل باقی است. یقین این است که صاحب نظران زبان آرامی در حمایت از زبان خویش مباحثات وزینی می‌کنند و به اعتقاد ما این حق آنهاست. زبان مقدم است. بنابراین باید آن را پیش از دیگر زبانها فرا گرفت؟ بدون دانش قبلی زبان آرامی یادگیری آنها در حد کفایت ممکن نیست؟ آنها که اعتقاد دارند، آن را باید پیش از زبان لاتین آموخت برای چه منظوری به جر و بحث می‌پردازند؟ اگر می‌گویند این گونه بایستی عمل شود، پس زبان عربی را نیز باید بیاموزند. دانشجویانی معدود داشتیم که به ادبیات زبان عبری تسلطی نداشته که به همراه دیگر دانشجویان آشنا با این زبان تحت تعلیم من بودند. باور بفرمایید عبری زبانان مدت‌ها عقب افتادند؛ هر چند که در جذب الگوهای افعال در حافظه سریعتر عمل می‌کردند، که برای آنها که عبری نمی‌دانند، کاری چند

ساعته است. واژه‌های مشترک دو زبان را در مقایسه با دیگران، عبری زبانان ساده‌تر کشف می‌کنند، اما کار دشواری نیست. پس متوجه می‌شوید که مطلب من صحیح است، پس با من همراه شوید صاحب نظران و غیر صاحب نظران زبان عبری!

در شرایط و مراحل یکسان به شما تدریس خواهم کرد تا عبری زبانان عقب نیفتند و دیگران نیز سریعتر پیش نروند. علاوه بر آن، می‌گویم که اگر دو زبان را باید آموخت، بنظر من زبان عبری را باید مقدم دانست چرا که ساده‌ترست و با قاعده‌تر و در همه موارد عیوب زبان عبری را برطرف می‌کند. به دور از آنها باشید که با ما مخالفند و با دشواریهای خیالی سعی دارند تا شما را از مطالعه این زبان برتر و سودمند بازدارند. قبول دارم که این زبان مدت‌ها پیش مشکلاتی را برای ما فراهم آورد. اما دلیل این امر آن بود که ابزار لازم-مقررات، مدرس و کتب- در دسترس نبود، و نه به دلیل ماهیت زبان. اما اکنون امید دارم به وفور از آنها بهره‌مند شوید.

بنابر این، آقایان عزمتان را جزم کنید؛ برای مطالعه این زبان برجسته و ذهن را آماده کنید؛ چند ساعتی را در روز به آن اختصاص

دهید و شکی نداشته باشید که در ظرف چند ماه از شما می‌خواهم برای آنچه که گفتم شهادت دهید.

تصمیم براین دارم به گونه‌ای آن را تدریس کنم، در صورت کوشایی شما، پیش از پایان تابستان داغ که از آموزش فارغ می‌شوید. متنی تاریخی به زبان عبری را خود خواهید فهمید و با استفاده از فرهنگ لغت دیگر متون دشوارتر را خواهید فهمید. برای نیل به این هدف، ابتدا مقدمات زبان را به شما درس خواهم داد و در چهار یا پنج هفته آن را تمام خواهم کرد. پس از آن، نحوه کاربرد آنها را در کلاس با استفاده از کتاب ضرب المثلهای همراه نسخه لاتین و توضیحات حاشیه‌ای ژوزف اسکالیگر که من ویراستار آن بوده‌ام، نشان خواهم داد، و نیز با بهره‌گیری از داستان یوسف در قرآن که نشر ترجمه شده اینجانب با حاشیه‌نویسیهای من است، به مطالعه اختصاصی آن خواهید پرداخت. متنی تاریخی نیز به این موارد اضافه خواهم کرد که در آن صرفنظر از ظرافتهای دستوری در حد توان معنی و مفاهیم صحیح کلمات و عبارات را بررسی خواهم کرد. □

تازه‌های مجلات  
درباره متون



نامه بهارستان، سال اول، شماره دوم، دفتر دوم، پائیز-زمستان ۱۳۷۹ منتشر شد در این مجموعه می‌خوانیم:

ترجمه فارسی «التیسیر فی صناعة التفسیر» / بکرین ابراهیم اشیلی (د ۶۲۹ ق)

ترجمه فارسی (و قدیمی) رساله «عمدة الکتاب» ابن بادیس صنهاجی (۳۹۸-۴۵۴ ق) (کتاب: ۱۰۲۵ ق)

فرهنگ تاریخی اصطلاحات نسخه شناسی (جدول)

از پوست تا کاغذ (نکاتی در مورد چند نسخه خطی در خاور میانه)

مالکیت و خرید و فروخت نسخه‌های خطی در گذشته

عرفان اصیل ایرانی در «سفینه تبریز» (نگاهی اجمالی به مجموعه خطی نفیس ابوالمجد تبریزی)

نسخه «الآثار الباقیه» ربیع رشیدی

فرسنامه ای فارسی مورخ ۵۵۵ قمری

دست نویسی معتبر از «الادوار» صفی‌الدین ارموی (د ۶۹۳ ق)

نسخه شناسی آثار حروفیان در کتابخانه ملی ملک

نسخه برگردان متون علمی چاپ ایران

نسخه‌های خطی در پژوهش‌های تاریخی و تصحیح متون

ضرورت فراگیری زبان عبری برای فهم و دست‌یابی به متون اسلامی (سخنرانی توماس ارپینوس، ۱۵۸۴-۱۶۲۴ م)

مؤسسه تاریخ پزشکی ولکام و دست‌نویس‌های اسلامی

آشنایی با نسخه‌های خطی فارسی در آمریکا (کتابخانه مرکزی عمومی نیویورک)

فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مرحوم محمد باقر الفت اصفهانی

گزارش از سومین کفرانس نسخه شناسی و خط‌شناسی کهن در نسخه‌های خطی خاورمیانه (۴-۶ اکتبر بولونیا-۲۰۰۰ م)

تحول هنر کتاب آرایی در قرون اولیه هنر ایران در دوره اسلامی (انگلیسی)